

Original Paper **The use of cunning and scheming in the allegorical story of Boom and Zagh in Kalila and Demaneh**

Mahnaz Karami^{1*}

Abstract

Kalila and Demaneh is One of the beautiful stories of this valuable book is the story of Bom and Zagh, which is discussed in this research. The purpose of this article is to investigate the cunning element in the behavior and speech of the cunning character in the story of Boom and Zagh. Anecdotes related to trickery in the story of the boom and the raven, how the rivalry between the boom and the raven started, the trickery of the messenger of the king of rabbits, the trickery of the fasting cat, the trickery of the thieves to take away the ascetic cow, the trickery in the story of the boom and the raven and parables of the raven. And canvas is one of the different parts of this research. This research aims to investigate the scheming element in cunning character in the allegorical story of Bom and Zagh Kalilah and Demaneh with the analytical-descriptive method and library tools, and it has sought to answer these questions that cunning character and its characteristics in the story How is the allegory of the canvas and the raven drawn and how it used the element of cunning to overcome the enemy. The findings of the research show that there are several things that cause the success of cunning: science, courage, politics and cunning, secrecy and acceptance of risk. The reason for choosing this story is the greater clarity of the cunning element in its allegorical characters, which makes the story more attractive.

Key words: Allegory, allegorical story, kalileh and demaneh, Boom and Zagh story, cunning

1-Teacher in education of Fars provinc Mahnaz6179@outlook.com

Please cite this article as (APA): Karami, Mahnaz. (2024). The use of cunning and scheming in the allegorical story of Boom and Zagh in Kalila and Demaneh. *Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature*, 16(60), 114-134.



Creative Commons: CC BY-SA 4.0



Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 60/ Summer 2024

Receive Date: 22-03-2024

Accept Date: 17-06-2024

First Publish Date: 09-07-2024

مقاله پژوهشی **کاربرد مکر و مکراندیشی در حکایت تمثیلی بوم و زاغ در کلیله و دمنه**

مهناز کرمی*

چکیده

کلیله و دمنه اثر داستانی تمثیلی است که از زبان حیوانات بیان شده است. حیوانات در آن تمثیل هستند و آفریننده آن، توانسته از این نقش‌ها برای هشدار به انسان‌ها و داشتن زندگی بهتر بهره جوید. یکی از حکایت‌های زیبای این کتاب ارزشمند، داستان بوم و زاغ است که در این پژوهش به آن پرداخته شده است. هدف از این مقاله، بررسی عنصر مکر در رفتار و گفتار شخصیت مکراندیش در داستان بوم و زاغ است. حکایت‌های مرتبط با مکر در داستان بوم و زاغ، چگونگی آغاز دشمنی بوم و زاغ، مکر رسول ملک خرگوشان، مکر گربه‌ی روزه‌دار، مکر دزدان برای بردن گاو زاهد، مکراندیشی در داستان بوم و زاغ و تمثیل‌های زاغ و بوم از بخش‌های مختلف این پژوهش است. این پژوهش بر آن است که با روش تحلیلی-توصیفی و ابزار کتابخانه‌ای به بررسی عنصر مکر در شخصیت مکراندیش داستان تمثیلی بوم و زاغ کلیله و دمنه پرداخته شود و در پی پاسخ به این سؤالات بوده است که شخصیت مکراندیش و ویژگی آن در داستان تمثیلی بوم و زاغ چگونه ترسیم شده است و چگونه از عنصر مکر برای غلبه بر دشمن استفاده کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که چند چیز باعث پیروزی مکراندیش است: علم، حلم، سیاست و مکر، رازداری و استقبال از خطر. دلیل گزینش این حکایت، وضوح بیشتر عنصر مکر در شخصیت‌های تمثیلی آن است که جذابیت داستان با وجود آن بیشتر شده است.

واژگان کلیدی: تمثیل، داستان تمثیلی، کلیله و دمنه، داستان بوم و زاغ، مکراندیشی.

۱- دبیر آموزش و پرورش استان فارس و مدرس دانشگاه فرهنگیان شهید باهنر، واحد زینب کبری (س) کازرون.

Mahnaz6179@outlook.com

لطفاً به این مقاله استناد کنید: کرمی، مهناز. (۱۴۰۳). کاربرد مکر و مکراندیشی در حکایت تمثیلی بوم و زاغ در کلیله و دمنه. تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی. ۱۶(۶۰)، ۱۱۴-۱۳۴.



حق مؤلف © نویسندگان.



ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره شصت / تابستان ۱۴۰۳ / از صفحه ۱۳۴-۱۱۴.

تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۳

مقدمه

یکی از کارکردهای تمثیل، بهره‌گیری از آن در ادبیات تعلیمی و آموزش سبک زندگی است. حیوانات از شخصیت‌های اصلی ادبیات تمثیلی هستند و مکر یکی از عناصر اندیشه‌های انسانی است که در بین حیوانات، روباه بدان مشهور است. حکایت‌های تمثیلی، که در ادبیات غرب به نام فابل شناخته می‌شود، دست‌مایه‌ی نویسندگان آثار ارزشمندی چون کلیله و دمنه است. حوادث این کتاب پیرامون زندگی و افکار و افعال دو شغال زیرک به نام‌های کلیله و دمنه شکل می‌گیرد که یکی تمثیلی از انسان‌های طمع‌کار و جاه‌طلب است که برای رسیدن به مقصود از هیچ کاری، هرچند خطا و غیراخلاقی فرو گذار نمی‌کنند و دیگری تمثیل کسانی است که عاقلانه‌تر عمل می‌کنند و از مشاوره و بهره‌گیری از تجربه گذشتگان دریغ نمی‌کنند. یکی از حکایت‌های جذاب این اثر، داستان بوم و زاغ است که بیانگر لزوم به کارگیری قدرت مکر برای مواقعی است که دشمن از نظر نیروی بدنی، فزونی دارد.

این کتاب به شیوه داستان در داستان نگاشته شده و بیشتر داستان‌ها از زبان کلیله و دمنه و به عنوان شاهد و دلیلی بر گفته‌های آن‌ها نقل شده‌اند. نمونه این شیوه را در مثنوی معنوی و مرزبان‌نامه نیز می‌بینیم. یکی از حکایت‌های تأثیرگذار این اثر ارجمند، داستان بوم و زاغ است. شخصیت اصلی و پیش‌برنده حکایت، زاغی است که او را به عنوان شخصیت مکراندیش در این داستان می‌شناسیم و تمثیلی از مشاوران زیرکی است که به یاری فراست و حلم و علم خویش، دست به کاری جسورانه می‌زنند و با پذیرش حضور در میان دشمنان، افتادن در دل خطر و بهره‌مندی از بردباری و رازداری به یاری سرزمین و هموعان خویش می‌شتابند و آن‌ها را از خطر نابودی نگاه می‌دارند. این داستان چندان اهمیّت دارد که نویسنده یک باب را به آن اختصاص داده است.

سؤالات پژوهش

- ۱- شخصیت مکراندیش و ویژگی آن در داستان تمثیلی بوم و زاغ چگونه ترسیم شده است؟
- ۲- شخصیت مکراندیش چگونه از عنصر مکر برای غلبه بر دشمن استفاده کرده است؟

اهداف پژوهش

- بررسی مکر و عوامل پیروزی مکراندیش در داستان تمثیلی بوم و زاغ کلیله و دمنه
- تحلیل شخصیت تمثیلی مکراندیش در داستان بوم و زاغ

ضرورت تحقیق

از آن جا که مکر به عنوان یکی از روش‌های مقابله با دشمن است، آشنایی با این عنصر، کارکرد و اثر آن در پیروزی بر دشمن، می‌تواند تجربه‌ای ارزشمند باشد. یکی از داستان‌هایی که عنصر مکر در آن وضوح بیشتری دارد، حکایت تمثیلی بوم و زاغ از کتاب کلیله و دمنه است. لزوم شناخت شخصیت مکراندیش و بیان کارکردهای این عنصر در غلبه بر دشمن، موجب شد این شخصیت و افعال او به طور خاص در این مقاله بررسی شود. این پژوهش با بررسی شخصیت‌های مکراندیش و کارکرد عنصر مکر در غلبه بر دشمن، می‌تواند بر شناخت ما از دشمن بیفزاید و جامعه را با شیوه‌ی غلبه بر دشمن، از طریق بررسی شخصیت‌های مکراندیش در داستان تمثیلی بوم و زاغ، آشنا نماید.

شیوه پژوهش

شیوه‌ی پژوهش در این مقاله، توصیفی و تحلیلی و مبتنی بر روش کتابخانه‌ای است.

شیوه‌ی گردآوری مطالب

مطالب مورد نیاز این پژوهش از طریق مطالعه‌ی کتاب و فیش‌برداری از آن‌ها، جمع‌بندی و طبقه‌بندی مطالب به دست آمده است.

پیشینه تحقیق

با بررسی‌های انجام شده، پژوهشی مستقل درباره‌ی مکراندیشی در حکایت تمثیلی بوم و زاغ کلیله و دمنه یافت نشد. اما، بعضی مقالات به صورت غیرمستقیم به موضوع مکر پرداخته‌اند که در ادامه به چند مورد اشاره می‌شود:

عباس‌نژاد، حسین، عادلزاده، پروانه، پاشایی فرخی، کامران، (۱۳۹۸) «کاربرد مکر و مکراندیشی در حکایت‌های تمثیلی جانوران در مزابان‌نامه».

زنجانی‌زاده، هما، حسین‌زاده، فهیمه، (۱۳۹۹)، تحلیل جامعه‌شناختی هوشمندی زنانه (مکر) در داستان‌های عامیانه فارسی عصر قاجار بر مبنای کتاب ادبیات مکتب‌خانه‌ای غلامحسین‌زاده، غلامحسین، قاسم‌زاده، سیدعلی (۱۳۹۹) «رفتارشناسی مکر و نیرنگ در جامعه استبدادی از نگاه مولانا»

رخشانی مقدم، فاطمه، (۱۳۹۰)، «مکر یا تدبیر: پژوهشی در مکر و حيله زنان در ادبیات و انگیزه‌های روانی و اجتماعی آن»

«مزداپور، کتایون، ذنوبی، طیبه، (۱۳۸۹) «تحلیل ساختاری مکر و حيله زنان در قصه‌های هزار و یک شب»

مره‌یی، منصوره، جدیدالاسلامی، حبیب، (۱۳۹۸)، «تصویر سازی و تصویر آرایي فریب کاری در شاهنامه فردوسی و کلیله دمنه نصرالله منشی (مغول و تیموری)»
طبق بررسی‌های انجام شده، پیشنهادی برای موضوع این پژوهش مشاهده و پژوهشی مستقل دربارهٔ مکراندیشی در حکایت تمثیلی بوم و زاغ کلیله و دمنه یافت نشد.

بیان مسأله

همهٔ گونه‌های تمثیلی چون تشبیه تمثیلی، استعارهٔ تمثیلیه، مثل، کنایه مثلی، اسلوب معادله، افسانه تمثیلی، حکایت تمثیلی و تمثیل رمزی را به دو گروه کلی می‌توان تقسیم کرد: «تمثیل‌هایی که شکل داستانی دارند و تمثیل‌هایی که چنین نیستند. این دو گروه را تمثیل‌های روایی و توصیفی می‌نامیم» (حیدری‌فر و دیگران، ۱۳۹۸: ۹). برای انواع تمثیل یک تقسیم‌بندی متفاوت‌تر عرضه شده است که عبارت است از: «تمثیل‌های اندیشه‌ای - آموزشی، تمثیل‌های حیوانات، تمثیل‌های اسطوره‌ای، تمثیل‌های فانتزی - تخیلی، تمثیل‌های افسانه‌ای، تمثیل‌های رمزی، تمثیل‌های واقع‌نما، تمثیل‌های قصه‌وار، تمثیل‌های تصویری، و مثال‌آوری.» (شیری، ۱۳۸۹: ۳۳) برای تمثیل کارکردهای گوناگون گفته‌اند؛ از آن جمله صاحبی معتقد است که: «قصه و تمثیل چهار قلمرو از وجود انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند: الف. قلمرو شناختی: انتقال دانش و کمک به فرآیند حل مسئله؛ ب. قلمرو عاطفی: پالایش عاطفی - هیجانی و امیدآفرینی؛ ج. قلمرو بین فردی: ایجاد پیوستگی و رابطهٔ انسانی - اجتماعی افراد با یکدیگر؛ د. قلمرو شخصی: ایجاد بصیرت و بینش، چراکه فرد خود و مسائل زندگی‌اش را در روایت دیگران ملاحظه می‌کند و به درک بهتری از خود و مسائل می‌رسد.» (میرهاشمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۸)

کتاب ارزشمند کلیله و دمنه، اثری تمثیلی است که شکل داستانی دارد و مورد تقلید بسیاری از نویسندگان قرار گرفته و از نمونهٔ تقلیدهای آن، می‌توان به مرزبان‌نامه اشاره کرد که البته هیچ‌گاه به پایهٔ کلیله نرسید. این کتاب، به واسطهٔ نام شخصیت‌های اصلی آن نامگذاری شده است. این دو، نمونه‌های تمثیلی شخصیت‌های انسانی هستند که در هر عصری می‌توانند حضور داشته باشند و

محدود به زمان خاصی نبوده و فرازمانی‌اند. به همین مناسبت، در این داستان به زمان و مکان خاصی اشاره نمی‌کند.

یافته‌های پژوهش

۱- تعریف مکر

مکر در لغت عرب، به معنی خدعه کردن و فریب دادن آمده (معلوف، ۱۳۸۲: ۷۷۰) مکر، جزء جدایی-ناپذیر اندیشه بشر است. با توجه به کاربرد این واژه برای خداوند در قرآن کریم (وَ مَكْرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ)، باید گفت مکر به معنای چاره‌اندیشی و تدبّر است و نه فریب. شاید بتوان گفت که نخستین مکرها در زمان خلقت آدم هویدا شد. آن‌جا که خداوند همه فرشتگان را به مجلس رونمایی از خلقت نوین و احسن خویش دعوت کرد و سپس به سجده بر پیکر خاکی آدم فرمان داد تا بدین سان بندگان مطیع بی چون و چرایش مشخص شوند.

در قرآن کریم درباره خداوند، تنها از واژه مکر استفاده و بارها به مکر او اشاره شده است. مکر خداوند براساس حکمتی است که در پس آن نهفته است؛ از آن جمله، آنجا که طرّحی می‌ریزد و همه فرشتگان را به سجده بر جسم آدم فرامی‌خواند؛ با آنکه می‌داند ابلیس هیچ گاه سر فرود نخواهد آورد و به این ترتیب او را برمی‌انگیزد که بیرون از بارگاه خاص او و در کنار آدمیان بماند و به وسوسه، قصد فریب آن‌ها کند و بدین سان وسیله‌ای باشد برای پالایش بندگان خاکی‌اش.

نیز، وقتی قابیل دست به قتل برادر خویش، هابیل، می‌زند و نمی‌داند با جسد برادر چه کند، از رفتار زاغی پی می‌برد که چگونه از شرّ جنازه برادر خلاص شود. در این بخش نیز زاغی به کمک انسان می‌آید و آیین خاکسپاری را به او می‌آموزد. حضور زاغ در این ماجرا، پیام‌رسان خداوند است برای آنکه به او بنمایاند چگونه جسد برادر خویش را به خاک بسپارد. « پس خدا کلاغی را برانگیخت که زمین را همی کاوید، تا به وی بنمایاند که چگونه جسد برادرش را بپوشاند. [قابیل] گفت: وای بر من، آیا ناتوانم که همانند این کلاغ جسد برادرم را بپوشانم؟ و بدین سان از پشیمان شدگان گردید.» (مائده/ ۳۱) از این مثال‌ها آشکار می‌شود که مکر هم برای مقاصد خیر استفاده می‌شود و هم برای هدف‌های شر. بنابراین هرگونه چاره‌اندیشی برای امور خیر و شر، مکر است که معمولاً در پرده می‌ماند و آشکار نمی‌شود.

کلیله و دمنه اثری تمثیلی یا فابل است که بیشتر شخصیت‌های داستان‌های آن حیوانات هستند و یکی از موضوعات محوری داستان‌هایش، مکراندیشی و توصیه بدان است؛ چرا که نگارنده داستان‌ها قصد

آموزش سبک زندگی به انسان‌ها دارد و مکر جزء جدایی‌ناپذیر اندیشه انسانی است؛ خصوصاً در مواجهه با دشمن که مکر نیرویی درونی است و سلاح چاره‌اندیشی بیش از جنگ‌افزارها به کار می‌آید. یکی از حکایت‌های مهم آن، داستان بوم و زاغ است که یکی از داستان‌های مکرمحور برای رهایی از دشمنی است که به نیرو افزون از حریف است.

مکر را گاهی معادل نیرنگ و فریب در فارسی و به معنای تدبیر برای ضرر رساندن می‌دانند و در اصطلاح به معنای پیدا کردن راه‌هایی پنهان برای اذیت رساندن به مردمان. (ویکی فقه دانشنامه حوزوی)

واژه فریب با فتح یا کسر «ف» در زبان پهلوی، فرپ هم‌ریشه با فریفتن است و به معنی عشو و مکر و غافل شدن یا غافل کردن با خدعه است. (دهخدا و معین) با این تعریف، خدعه ابزار دست فریبکاران است. واژه‌های مترادف فریب عبارتند از: اغفال، اغوا، تزویر، تغابن، حقه، حيله، خدعه، دسیسه، دغا، دوزوکلک، ریا، ریب، زرق، عشو، غبن، غدر، غش، فسون، فند، کید، گول، مکر، نیرنگ. شاعرانی چون فردوسی، خاقانی و حافظ این واژه را به کار برده‌اند:

بسی گشته‌ام در فراز و نشیب	نیم مرد گفتار و بند و فریب
(فردوسی، ۱۳۷۹: ۲۳۳)	
به فریب فلک آزرده دلش خوش نکنند	تا فلک را چو دلش رنگ معزا ببیند.
(خاقانی، ۱۳۷۵: ۲۰۷)	
فریب جهان قصه روشن است	ببین تا چه زاید شب آستن است
(حافظ، ۱۳۹۵: ۵۳۸)	

چنان که مشاهده می‌شود، فریبکاری خصلتی ناپسند شمرده شده و شاعر خود را از آن دور دانسته است. یکی از بدترین خصلت‌های فلک و روزگار، فریبکاری اوست که سرایندگان بارها از آن گلایه کرده‌اند. شاعران عشق‌پرداز چون سعدی و حافظ این خصلت را بارها به معشوق نیز نسبت می‌دهند؛

ای در دل ما داغ تو تا کی فریب و لاغ تو گر به بود در باغ تو ما نیز هم بد نیستیم

(سعدی، ۱۳۷۶: ۶۱۰)

آن چشم جادوانه عابد فریب بین کش کاروان سحر ز دنباله می‌رود

(حافظ، ۱۳۹۵: ۲۵۳)

۲- حکایت‌های مرتبط با مکر در داستان تمثیلی بوم و زاغ

در مقدمه حکایت بوم و زاغ کلیله و دمنه، رای از برهمن می‌خواهد مثل دشمنی را بازگو کند که «بدو فریفته نشاید گشت؛ اگرچه کمال ملاطفت و تضرع و فرط مجاملت و تواضع در میان آرد و ظاهراً هرچه آراسته‌تر به خلاف باطن بنماید و دقایق تمویه و لطایف تعمیه اندران به کار برد» (منشی، ۱۳۷۶: ۱۹۱) و برهمن ویژگی خردمند را آن می‌داند که: «به سخن دشمن التفات ننماید و زرق و شعوه او را در ضمیر نگذارد و هرچه از دشمن دانا و مخالف داهی تطف و تودد بیش بیند، در بدگمانی و خویشتن نگاه‌داشتن زیادت کند و دامن از او بهتر درچیند» (همان) و علت این توصیه را آن می‌داند که: «اگر غفلتی ورزد و زخم‌گاهی خالی گذارد، هرآینه کمین دشمن گشاده گردد و پس از فوت فرصت و تعدر تدارک، پشیمانی دست نگیرد» (همان) و سپس داستان اصلی را باز می‌گوید که همان داستان بوم و غراب (زاغ) است.

با این پیش درآمد، می‌توان گفت که در این حکایت با دشمن‌شناسی و نحوه برخورد و به کارگیری مکر، به عنوان ترفندی برای مقابله با دشمن دانا آشنا خواهیم شد. «داستان تصویری است عینی از چشم‌انداز و برداشت نویسنده از زندگی». (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۴۱) و «تمثیل ارائه شخصیت، اندیشه یا واقعه است به طریقه‌ای که خودش را نشان دهد و هم چیز دیگری را» (همان: ۱۴۷) از آن جا که حکایت‌های کلیله و دمنه، داستان در داستان است، داستان‌های این حکایت هم مبنی بر مکر و زیرکی هستند.

۲-۱- داستان تمثیلی اول: چگونگی آغاز دشمنی بوم و زاغ

در این داستان، شروع دشمنی بین بوم و زاغ بیان می‌شود. زاغی که با بیان بدی‌ها و معایب بوم و مخالفت با متابعت از آن، موجب می‌شود نهال دشمنی بین بومان و زاغان به درختی تنومند بدل شود. زاغ موصوف، تمثیلی از آدمیانی است که نسنجیده و بدون رعایت جوانب احتیاط زبان به سخن می‌گشایند و از سخن نا به جای خویش انگشت ندامت به دندان می‌گزند. چنان که زاغ مورد نظر، در پایان، از این که نسنجیده سخن گفته است و چیزهایی را به زبان آورده که دیگران به گفتنش مستحق‌تر بودند و بدین ترتیب آتش کینه را شعله‌ور کرده، پشیمان می‌شود؛ پشیمان از این که عاقبت‌اندیشی نکرده و دشمنی خود را آشکارا و در حضور دیگران بیان کرده و موجب شده کینه بوم زیاده‌تر شود. نکته باریک داستان این است که عیب دشمنان را در حضور دیگران نباید گفت و دشمنی گاه باید پنهان بماند و لازمه مکر آن است که بر اندیشه و مشورت استوار باشد تا نتیجه مطلوب حاصل شود.

زاغی که با حکومت بومان مخالفت کرد، به بیان داستان پانهادن پیلان به زمین خرگوشان و تصاحب چشمه معروف به «قمر» در سال خشکسالی می‌پردازد که جان‌مایه داستان دیگری است.

۲-۲- داستان تمثیلی دوم: مکر رسول ملک خرگوشان

این داستان نیز، حاوی مکراندیشی خرگوش برای استفاده از آب چشمه قمر است و فریب بزرگ پیلان برای دور کردن آن‌ها از چشمه. در این داستان نیز، خرگوشی پیروزنام، به عنوان نماینده ملک برای رفع مشکل و دفع آسیب پیلان، پا پیش می‌گذارد. نویسنده از زبان ملک، آداب رسالت و سفارت را بازگو می‌کند و ادب رسولی ملک را این می‌داند که «سخن بر حدت شمشیر رانده آید و از سر عزت ملک و نخوت پادشاهی گزارده شود... و نیز هر سخنی را که مطلع از تیزی اتفاق افتد، مقطع به نرمی و لطف رساند و اگر مقطع فصلی به درشتی و خشونت رسیده باشد، تشبیب دیگری از استمالت نهاده آید تا قرار میان علف و لطف و تمرّد و تودّد دست دهد و هم جانب ناموس جهان‌داری و شکوه پادشاهی مرعی ماند و هم غرض از مخادعت دشمن و ادراک مراد به حصول پیوندد.» (منشی، ۱۳۷۶: ۲۰۴-۲۰۳) «پیروز» در این داستان، نماد رسولان است که لازم است برای موقعیت‌های مختلف نقشه داشته باشد.

چنان که می‌بینیم، آداب رسالت هم خالی از مکر نمی‌تواند باشد. سفیر پادشاه باید چنان آغاز به سخن کند که عزت و شکوه حاکم خود را به وضوح به دشمن بنماید و عزت پادشاه خویش را در کلام به نمایش گذارد و سپس یا سخن را به نرمی پایان دهد یا اگر به درشتی به انجام رساند، کلام دیگرش را به نرمی و ملایمت بیاورد تا در صلح را باز گذارد و هم هیبت شاه را رعایت کرده باشد و هم از خدعه دشمن در امان ماند.

۲-۳- داستان تمثیلی سوم: ماجرای مکر گربه روزه‌دار

این داستان با دعوی بین خرگوش و کبک انجیر بر سر یک لانه شروع می‌شود. در این منازعه، نیاز به حکم قاضی پیدا می‌شود. قضاوت را به گربه‌ای می‌سپارند که شب‌ها نماز می‌گذارد و روزها روزه‌دار است و آزار او به هیچ جانوری نرسیده است. غذایش هم آب و و گیاه است. گربه به محض دیدن آن‌ها مشغول نماز می‌شود و پس از فراغت از نماز، از آن‌ها خواست نزدیک‌تر آیند و هر یک ادعای خود را گویند. سپس برای جلب اعتماد آنان، شروع کرد از گذرا بودن دنیا و بقای آخرت سخن گفتن. کم کم به او الفت گرفتند و بدون توجه به دشمنی ذاتی او، جلوتر رفتند و گرفتار دام مکر او شدند و

گربه نیز با این ترفند آن‌ها را گرفت و خورد. این داستان بیانگر این نکته است که نباید فریب ظاهر دشمن را خورد و زیاد به او نزدیک شد. دوستی با دشمن نشاید. دانای پنجم، بعد از این مَقدمات، حیل و مکر را تنها چاره گشایش زاغان می‌داند. وقتی جنگ امکان پذیر نیست و ترک وطن شایسته و خواری تسلیم هم چاره کار.

۲-۴- داستان تمثیلی چهارم: مکر دزدان برای بیرون آوردن گوسفند از دست زاهد

زاهدی گوسفندی برای قربانی می‌خرد و با خود می‌برد. دزدان به طمع گرفتن گوسفند از دست زاهد، حيله‌ای می‌اندیشند. نخستین طرّار، پیش زاهد می‌رود و می‌گوید که این سگ را به کجا می‌بری؟ دیگری می‌گوید که شیخ حتماً قصد شکار دارد. سومی می‌گوید که این مرد در ظاهر درویشان است؛ وگرنه زاهد با سگ بازی نمی‌کند. ترفند آن‌ها در فریب زاهد، ایجاد شک در دل اوست. او نیز گرفتار این دام شد و گوسفند را رها کرد و رفت.

نقشه‌ای که زاغ پنجم برای رهایش اندیشیده بود آن بود که در جمع، ملک بر او خشم گیرد و دستور دهد او را تنبیه کنند و خونین نمایند و در زیر درخت رها کنند و بروند. ملک و لشکرش نیز در جایی مشخص، به انتظار بازگشت زاغ بمانند. بومان آمدند و محل زندگی زاغان را خالی دیدند. زاغ مجروح، در گوشه‌ای شروع به ناله کرد تا صدایش را بشنوند. ملک بومان ماجرا را از زبان زاغ شنید و زاغ چنان که خود اندیشیده و آماده کرده بود، بازگو کرد. از اتهامی که بدو زدند و او را خائن معرفی و چنین مجروح کردند. ملک بومان از وزیرش درباره زاغ مورد نظر پرسید و او قتل زاغ را آسیبی به زاغان دانست و راحتی خودشان و گفت که به دوستان ناآزموده هم نباید اعتماد کرد چه برسد به دشمن مکار. وزیر دوم رأی به اظهار ترحم به زاغ داد. وزیر سومین، رأی به زنده ماندن و بزرگداشت او داد تا دشمن دیرین با این لطف، دوست گردد. وی این عامل را باعث ایجاد تفرقه بین دشمنان دانست.

۲-۵- داستان تمثیلی پنجم: مکر دزد برای بردن گاو زاهد و حيله دیو برای کشتن او

در این داستان، دیو برای کشتن زاهد آمده و دزد برای ربودن گاو او. این دو در آغاز همراهی می‌کنند؛ اما در ادامه هر یک می‌اندیشد که اگر دیگری پیش از او اقدام کند، به زیان او تمام می‌شود. هر یک می‌خواهد خود شروع کننده باشد و پس از رسیدن به هدف خود، دیگری دست به کار شود. اختلاف نظر آن‌ها به نفع زاهد تمام می‌شود و هر یک نقشه دیگری را فاش می‌کند.

۳- مکراندیشی در داستان تمثیلی بوم و زاغ

۳-۱- مکر، وسیلهٔ مظلوم برای غلبه بر دشمن در داستان تمثیلی

آنچه باید در مقابله با دشمن در نظر داشت، عبارتند از:

الف) مشورت با ناصحان: نخستین زیرکی را از ملک زاغان می‌بینیم که برای پاسخ مناسب به حملهٔ بومان، دیکتاتورانه عمل نمی‌کند و دست به مشورت می‌زند؛ آن هم نه با هرکس؛ با دانایان. پس، نخستین لازمهٔ مکر، مشاوره با عالمان است. در میان زاغان، پنج زاغ به فضیلت رای و مزیت عقل مشهور بودند. نخستین زاغ نظر به ترک اهل و مال و مولد داد که پس از شکست، نباید بر قوت خود تکیه کرد و به دلیل شجاعت از دوراندیشی دور افتاد.

دومین زاغ، ترک وطن را خواری شمرد و صلاح را در آن دانست که وارد جنگ شوند و به عاقبت کار نیندیشند و مصالح را بی خطر شمردند.

زاغ سوم، راه چاره را آن دانست که جاسوسانی گمارند تا مشخص شود آیا بومان قصد مصالحه دارند یا نه و آیا به گرفتن خراج و نرمی و ملایمت راضی می‌شوند. دلیل را آن می‌داند که دشمن از آنان به شوکت و قدرت افزون است. پیشنهاد او آن بود که مال را فدای جان یاران کنند و از آن سپری برای دفاع از دوستان سازند.

وزیر چهارمین، هرسه پیشنهاد قبلی را رد می‌کند و جلای وطن را از دادن خراج و تحمل تواضع و خواری در برابر دشمن بهتر می‌داند. نظر او بر صبر و جنگ است.

پنجمین وزیر، جنگ را با دشمنی که قوی‌تر است، مصلحت نمی‌داند و معتقد است در هیچ حال نباید از دشمن ایمن بود. اگر نزدیک شود، از حمله ناگهانی‌اش باید ترسید و اگر دور شود، از دشمنی‌اش و اگر شکست خورد، از کمین‌کردنش و اگر تنها شود، از مکرش باید در هراس بود. او جنگ را نمی‌پسندد از آن رو که در جنگ هزینهٔ زیادی باید کرد از جان. به نظر او باید تمام زوایا بررسی شود و از خیرخواهان یاری گرفت.

وی بخشی از پاسخ خود را بیان می‌کند و بخشی را به خلوت واگذار می‌کند. با اظهار عجز در مقابل دشمن بیش از جنگ مخالفت می‌کند. به گفتهٔ صایب:

اشک کباب موجب طغیان آتش است

اظهار عجز در برابر دشمن صواب نیست

از تمام سخنانش فقط دلایل رد پیشنهادهای دوستانش را در خلوت بیان می‌کند و سخنان اصلی را به خلوت دونفرهٔ خود و حاکم وامی‌گذارد.

ب) رازداری و کتمان سر: دومین لازمه در مکراندیشی، رازداری است و دانستن این مطلب که همه محرم همه سخنان نیستند. زاغ پنجم، برای جلب موافقت حاکم، از مشورت‌خواهی او تمجید می‌کند و آن را نشانه حزم او می‌شمرد. پس، یکی از لوازم مکر، پوشیده داشتن بعضی سخنان از اغیار است. امام علی (ع) می‌فرماید: «هر چه تعداد کسانی که اسرار را می‌دانند بیشتر باشد، آن اسرار فاش‌کنندگانش بیشتر هستند» (سایت موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع))

دانای پنجم ملک را از این موضوع می‌آگاهاند که فاش شدن راز امیر، یا از سوی مشاوران است، یا رسولان یا کسانی که به دنبال خیانت هستند و می‌خواهند از راه استراق سمع به اسرار آگاه شوند تا آن را به گوش همه برسانند یا گروهی که منتظر نظرات همه در جلسه می‌مانند و سپس از آن طریق، شروع به گمانه‌زنی درباره رازها می‌کنند. سپس گوشزد می‌کند که هر رازی که از این چند گروه مصون ماند، روزگار هم بر آن اطلاع نمی‌یابد.

سپس، فواید کتمان سر را برمی‌شمارد: اگر اندیشه محقق شود، پیروزی رخ نماید و اگر تقدیر یاری نرساند، از عیب‌جویی دیگران در امان می‌مانی. ویژگی مشاور را سه چیز می‌داند: قابل اعتماد، امانتدار و خیرخواه.

پس از بیان آنچه لازمه ملک مقتدر است، به بیان منازل اسرار می‌پردازد: بعضی رازها آن گونه است که دو نفر را نمی‌توان محرم آن داشت و تنها دو سر و چهار گوش شایسته محرمیت آنند. ملک اشاره وزیر پنجم را دانست و با او خلوت کرد. نخستین کار در مقابله با دشمن، دانستن علت دشمنی اوست.

پ) دشمن‌شناسی:

در دشمن‌شناسی، نخستین قدم دانستن علت دشمنی است. بنابراین، اولین سؤال ملک از زاغ پنجم، این است که: علت دشمنی بومان با ما زاغان چیست؟ زاغ علت آن را مخالفت یکی از زاغان با حکومت بومان می‌داند.

۳-۲- لوازم مکراندیش با توجه به داستان تمثیلی بوم و زاغ

ویژگی‌هایی که لازم است در وجود یا همراه مکراندیش باشد، عبارتند از:

۱- مکراندیش خود اقدام می‌کند تا درستی حرف خویش نشان دهد.

۲- خطرپذیر است و استقبال از خطر می‌کند. «مرد تمام آن کس را توان خواند که چون عزیمت او در امضای کاری مصمم گشت، نخست دست از جان شوید و دل از سر برگیرد آن گاه قدم در میدان مردان نهد» (منشی، ۱۳۷۶: ۲۲۹)

۳- سناریوی مکر خویش را خود می‌نویسد.

۴- به کارگیری مکر را به دیگری واگذار نمی‌کند.

۵- هرگونه خواری و تحقیر را برای اجرای نقشه‌اش تحمل می‌کند.

۶- سعی در دفع مکر دشمن می‌کند.

۷- دشمن و مکر او را می‌شناسد.

۸- مکراندیش در جایگاه بالایی است و گرنه مکرش بی‌اثر بود.

۹- نقشه مکر در خفا و تنها بین دو نفر است.

۱۰- فریب‌خوار نیز مکراندیشانی دارد. ولی نصایح آن‌ها شنیده نمی‌شود و بدین سان فریب‌خوار خود به اثربخشی مکر دشمن یاری می‌رساند: «چنانکه رسم بی‌دولتان است، این نصایح ندانست شنود و عواقب آن را نتوانست دید.» (منشی، ۱۳۷۶: ۲۲۶)

۱۱- مکراندیش اطلاعات عمومی خوبی دارد و چیزهای زیادی از عجایب و غرایب دنیا می‌داند و به طرف مقابل عرضه می‌کند و خود را شخصیتی آگاه نشان می‌دهد. «زاغ هر روزی برای ایشان حکایت دلگشای و مثل غریب و افسانه عجیب می‌آوردی و به نوعی در محرمیت خویش می‌افزود.» (همان: ۲۲۶)

۱۲- به دنبال جمع‌آوری اخبار واقعی و پنهان دشمن است تا از آن بهره گیرد.

۱۳- مکراندیش باید صبور باشد که صبر با ظفر همراه است.

۱۴- در مکر اغتنام فرصت سودمند است. چرا که جلوی سیل را از سرچشمه باید گرفت.

«هر کجا کار بزرگ و مهم نازک حادث گشت و در آن هلاک نفس و عشیرت و ملک و ولایت دیده شد، اگر در فواتح آن برای دفع خصم و قمع دشمن تواضعی رود و مذلتی تحمل افتد چون مقرر باشد که عواقب آن به فتح و نصرت مقرون خواهد بود، به نزدیک خردمند وزنی نیارد» (همان: ۲۲۸)

۱۵- از نقاط ضعف دشمن این است که نه خود صاحب خرد است و نه سخن ناصحان را می‌پذیرد و نه رازها را می‌پوشند. نقطه ضعف دشمن، نقطه قوت مکراندیش است.

دشمن زاغان نیز مکار است؛ نخست از وزیران خویش می‌خواهد درباره زاغ زخمی پاسخ دهند. وزیر اول به مکر زاغ هشدار می‌دهد و نظر به قتل او می‌دهد. وزیر سوم، می‌خواهد از تفرقه و پراکندگی

دشمن سود برند. داستانی که او برای تصدیق حرف خویش می‌آورد، نیز داستان مکر است. مکر زن برای جلب توجه همسر و فریب او.

قهرمان داستان، آخرین کسی است که در این جمع سخن می‌گوید و پس از استماع سخنان دیگران. آغاز حضور او، تمجید از ملک زاغان و ستودن او به هوشمندی و درایت و سپاس از توجه به خردمندان خیراندیش و شنیدن پیشنهادهای دوستان خردمند و تحلیل آن بود. اما، برای رعایت جانب احتیاط، نقشه اصلی در خلوت دو نفره با پادشاه بیان می‌شود. همه این موارد از زیرکی او حکایت می‌کند.

مکر زاغ زخمی برای جلب اعتماد بومان، به شکل‌های زیر خودنمایی کرد:

۱- به جا آوردن آداب عبودیت و اطاعت

۲- مهربانی در حق همه بومان

۳- خودزنی و اظهار طلب مرگ برای انتقام از هموعان بی‌وفا برای اثبات صداقت خود

۴- بیان حکایات و داستان‌های عجیب و ماجراهای شگفت‌انگیز برای غافل کردن بومان و جلب اعتماد و نزدیکی به آنان.

۵- راه یافتن به خلوت بومان و پی بردن به اسرار آن‌ها و یافتن نقاط ضعف آن‌ها، که آخرین ترفند اوست.

زاغ پس از اتمام به کارگیری مکر خویش در لانه بومان، مخفیانه به جمع دوستان بازمی‌گردد تا ادامه طرح خویش را با یاری دوستان به اتمام برساند. نقشه پایانی، به آتش کشیدن لانه بومان و پایان مکر اوست که با پیروزی همراه است.

وزیری که نظر به قتل زاغ داده بود، بعد از بیان داستان مکر موش و زاهد مستجاب الدعوه، بار دیگر هشدار می‌دهد به مکر دشمن و ملک اعتنا نمی‌کند. غفلت از مکر دشمن و نشنیدن نصیحت ناصحان، موجبات شکست بومان را فراهم می‌کند. در عوض، زاغ با ترفندهایی زیرکانه، از اسرار دشمن آگاهی می‌یابد و از آن طریق به پیروزی دست می‌یابد.

۱۶- مکر زمانی پاسخ می‌دهد که نیروی بدنی برای مقابله با شرایط، اندک است. این نکته را هم از داستان اصلی بومان و زاغان می‌توان بازجست و هم در داستان‌های میانی چون ماجرای مکر مار پیر برای شکار غوک.

۱۷- مکراندیش در پی بهره‌گیری از تجربیات است و از عواقب کار دیگران عبرت می‌گیرد و به عقل خویش هرچند زیاد باشد، اکتفا نمی‌کند. چنان که هر کسی برای کار خویش دلیلی و داستانی از دیگران می‌آورد.

۱۸- با پنبه باید سر حریف را برید. «دشمن را به رفق و مدارا نیکوتر و زودتر مستأصل توان گردانید که به جنگ و مکابره.» (منشی، ۱۳۱۶: ۲۳۳)

۱۹- به کارگیری خرد، برتر از نیروی بدنی است؛ «خرد به که مردی». (همان: ۲۳۳) زیرا اگر زور بازوی فراوان داشته باشی، در نهایت از عهده مبارزه با بیست تن برآیی. «اما مرد با غور دانا به یک فکرت، ملکی پریشان گرداند و لشکری گران و ولایت آبادان را در هم زند و زیر و زبر کند». (همان: ۲۳۳)

۲۰- بردباری و سیاست در کنار هم پیروزی به ارمغان می‌آورند.

۲۱- مکراندیش بدون حمایت یاران کاری از پیش نمی‌برد.

۳-۳- نتیجه‌ی مکر در داستان تمثیلی بوم و زاغ

در روایت‌های حاشیه داستان بوم و زاغ، مکراندیشان، موفق از میدان زیرکی بیرون آمده و موقعیت خطر را ترک کرده‌اند به جز ماجرای دیو و دزد و زاهد که تفرقه دیو و دزد باعث بر آب شدن نقشه آن‌ها و شکست آن‌ها می‌شود.

قهرمان اصلی داستان بوم و زاغ، زاغی است که در حکایت، به عنوان وزیر پنجم ملک زاغان معرفی شده و یکی از مشاوران پادشاه برای رهایی از خطر بومان است. شخصیت او تا آخر ثابت می‌ماند و مکرهای او خالی از خطر نیست. اما حاضر است برای رهایی هم‌جنسانش و نیز ماندگاری نسل و سرزمینش به دهان هر خطری رود و این ویژگی را نشانه خرد و کیاست و مردانگی می‌داند. وی عامل شکست دشمن را در به کارنبستن خرد و مکر، نشنیدن سخن ناصحان و نپوشیدن اسرار خویش از دشمن پیشین می‌شمرد.

زاغ پنجم عامل پیروزی خود را نه تنها در به کار گرفتن خرد، بلکه بردباری و تحمل خواری در برابر دشمن به امید پیروزی، دست از جان شستن و استقبال از خطر و بهره گرفتن از نادانی و عدم کتمان سر از دشمن و راه یافتن به خلوت آن‌ها می‌داند. چرا که مکر بدون وجود لوازم خاص امکان‌پذیر نیست. بنابراین برای پیروزی، مکر، عامل لازم است اما کافی نیست. اما ملک زاغان عامل شکست بومان را ستم ملک آنان بیان می‌کند و پیروزی و ستم را دو خط موازی می‌بیند که هیچ گاه با هم تلاقی نمی‌کنند.

۴- تمثیل‌های زاغ و بوم در داستان بوم و زاغ

۴-۱- زاغ

زاغ پرنده‌ای از خانواده کلاغیان است و بحری، عقاب طلایی و شاه بوف مهمترین دشمنان طبیعی این حیوان هستند. تحقیقات نشان داده که کلاغ‌ها برای خوردن میوه‌هایی نظیر فندق یا گردو که هیچ نوع منفذی برای شکستن ندارند، در وسط خیابان قرار می‌دهند تا ماشین از روی آنها عبور کند و سپس برای خوردن محتویات داخل هسته‌ها مجدداً باز می‌گردند.

این حیوانات آنقدر باهوش هستند که براساس تجربه می‌دانند ماشین‌های سنگین دانه‌ها را له می‌کنند و به همین دلیل ماشین‌های سبک‌تر را انتخاب می‌کنند و دانه‌ها را به زیر چرخ‌های آنها هل می‌دهند حتی آنها اغلب این کار را زمانی انجام می‌دهند که چراغ راهنمایی سبز رنگ است!

بدون تردید کلاغ‌ها یکی از باهوش‌ترین موجودات روی زمین هستند. واقعیت این است که آنها حتی از طوطی‌ها، جغدها و دیگر پرندگان شکاری هم باهوش‌تر هستند. دانشمندان پس از انجام آزمون‌های مختلف هوش روی سگ‌ها، گربه‌ها، خوک‌ها و کلاغ‌ها متوجه شدند کلاغ‌ها نسبت به سایرین موفق‌تر عمل می‌کنند. در سال ۲۰۰۴ تحقیقات نشان داد که کلاغ‌ها حتی از شامپانزه‌ها نیز باهوش‌تر هستند. مغز کلاغ‌ها نسبت به دیگرگونه‌های پرندگان نسبتاً بزرگ‌تر و تکامل یافته‌تر است. جالب است بدانید آناتومی مغز کلاغ تا حدودی شبیه مغز انسان‌هاست. زبان کلاغ یک زبان واقعا پیچیده است و هر صدای قار قار معنی متفاوتی دارد. تحقیقات نشان می‌دهد برخی از اصوات آنها هشداردهنده، برخی تقلید صدا از سایر جانداران و برخی هم در ارتباط با وقوع یک اتفاق خاص است.... کلاغ‌ها خیلی اجتماعی هستند. در اسکاتلند یک کلونی از جمعیت کلاغ‌ها به ثبت رسیده که در آن بالغ بر ۶۵ هزار کلاغ حضور داشته‌اند. قابلیت به خاطر سپاری چهره انسان‌ها، قابلیت توطئه‌چینی، حافظه قوی، توانایی حل مشکلات، برنامه‌ریزی از ویژگی‌های کلاغ‌هاست. تحقیقات نشان داده که حیوانات کینه‌ای هستند. (beytoote.com) همه این ویژگی‌ها باعث شده که نویسنده کلیلله و دمنه یک باب را به بیان حکایت بوف و غراب (بومان و زاغان) اختصاص دهد.

خداوند در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره مبارکه مائده توسط کلاغی دفن مرده را به انسان می‌آموزد. دفن کردن مردگان توسط کلاغ‌ها از مسائل بسیار مشهود و عینی است که در برخی سایت‌ها حتی ویدئوهایی تصویری از این مراسم دفن در کلاغ‌ها ثبت و ضبط شده است. بایستی گفت کلاغ‌ها به‌عنوان یکی از باهوش‌ترین گونه‌های پرندگان شناخته می‌شوند که توانایی شناختی آنها قابل قیاس با میمون‌های بزرگ است. اینکه در قرآن کریم از رفتار نوعی پرنده یاد کرده، شاید نوعی اشاره به توجه بیشتر بشر و

تامل آن‌ها در رفتار جانوران دارد. در این آیه نیز که به رفتار خاص جانوری اشاره شده، شاید گویای این موضوع است که خداوند متعال می‌خواهد بندگانش در احوال و رفتار جانوران دقت نمایند که خداوند چه غریزه‌هایی در وجود آن‌ها نهاده و شاید کشف این رفتارها و شناخت زوایای زندگی جانوران خود در بسیاری از مسائل کارگشای امور بشری باشند. گفتنی است امروزه علم رفتارشناسی جانوری خود به علم بزرگ و جامعی در جهان تبدیل شده است و هر روز زوایای جدیدی از زندگی پیچیده و اسرار آمیز جانوران برای بشر مشخص می‌گردد. (Ardabil.iqna.ir)

«زاغ در مثنوی، جنبه منفی یا خشتی دارد. در داستان هدهد و سلیمان، نماد افراد حسود، و غمّاز است. در حکایت موش با چغز، زاغ نماد ابلیس و نقشش گمراه‌کنندگی است اما در حکایت سبب پریدن مرغی با مرغی که جنس او نبود، زاغ به همراه لک لک مثل کسانی هستند که به واسطه وجود نقطه اشتراکی با هم رفاقت حاصل می‌کنند.» (نبی‌لو، ۱۳۸۶: ۲۶۰)

مولوی به داستان زاغ و قابیل اشاره می‌کند که او را راهنمایی می‌کند که جسد برادر مرده‌اش را به خاک سپارد:

دید زاغی زاغ مرده در دهان	بر گرفته تیز می‌آمد چنان
از هوا زیر آمد و شد او به فن	از پی تعلیم او را گورکن
پس به چنگال از زمین انگیخت گرد	زود زاغ مرده را در گور کرد
دفن کردش پس پوشیدش به خاک	زاغ از الهام حق بد علم‌ناک

(مولوی، د ۴، ص ۶۱۳)

در کتاب فرهنگ نمادها، زاغ «اغلب به عنوان صفت آدم پرحرف و دزد به کار می‌رود که این دو صفت دقیقاً از رفتار این پرنده ناشی شده است. در ضمن باسترک - زاغ یا بورلینگ - بورلانگ - در میان کوه‌نشینان ویتنام جنوبی نماد نیایی است که هنر اجرای عدالت و به هر صورت هنر مذاکره با رقیب را تعلیم می‌دهد. سیوها اعتقاد دارند که زاغ همه چیز را می‌داند.

در چین زاغ بر بیوفایی در ازدواج آگاه است؛ زیرا نیم‌آینه‌ای که به شوهر داده‌اند، تبدیل به زاغ می‌شود و اگر زن در زمان غیبت شوهر او را فریب دهد، زاغ گزارش خواهد داد. هم‌ذاتی آینه و زاغ، وقتی ما سلیقه او را در دزدیدن اشیای برآق و درخشنده به خاطر آوریم، قابل توجیه است. در عوض، خود زاغ در وفا مشهور است. این زاغ‌ها هستند که پل روی راه شیری را می‌سازند تا موکب عروسی تاریست آسمانی از آن عبور کرده و به عواء بپیوندد و از همین جاست که می‌گویند: زاغ‌ها موهایشان می‌ریزد.

زاغ پریایی است موسوم به جن -نیو؛ او در واقع دختر ین یی، شاه آتش بود و تبدیل به زاغ شد و پس از به آتش کشیده شدن آشیانه‌اش به آسمان پرواز کرد...

زاغ را برای باکوس قربانی می‌کردند تا شراب کمک کند و زبان‌ها باز شود و رازها برملا شود. بنابر افسانه‌های یونانی، پیریس‌ها که نه دختر جوان تراکیایی بودند می‌خواستند با نه موسا رقابت کنند. آن‌ها در مسابقه آواز شرکت و بازنده شدند و به همین دلیل تبدیل به زاغ شدند می‌توان در زاغ‌های این افسانه، که توسط اوویدیوس نقل شده، نماد حقد و کینه، خودبینی، پرحرفی و خودبرتربینی را دید. ... زاغ در فرهنگ مردمی غرب، معمولاً نمادی شوم است و دیدن این پرنده، علامت نحوست است» (شوالیه و گبران، ۱۹۰۶: ۴۲۸-۴۲۷)

۴-۲- جغد در داستان تمثیلی بوم و زاغ

شاه‌بوف (با نام علمی *bubo bubo*) که از دشمنان اصلی و طبیعی زاغ است، از خانواده جغد، بزرگ‌ترین نوع جغد و دو برابر جغد گوش‌دراز است. (*yjc.ir*، ۱۴ بهمن ۱۳۹۸) جغد در باور عامه بار معنایی منفی دارد و چون بر ویرانه‌ها ساکن است و از روشنایی نور گریزان، پرنده‌ای شوم شمرده می‌شود. «جغد نمادی از عالم ماده و تعلقات حسی است اما در ادامه این داستان، نمادی از انسان‌های دنیاپرست و منکران نبوت پیامبران و مخالفان انسان کامل شمرده شده است که به شدت به ویرانه دنیا چسبیده‌اند و از ظلمت اندوه و نادانی خود، راهی به سوی نور و دانایی نمی‌یابند.» (صرفی، ۱۳۸۶: ۶۷) مولوی در دفتر دوم به داستان جغد و باز اشاره می‌کند. حکایت بازی که راه را گم کرده و به ویرانه جغدان گرفتار می‌شود. مولوی می‌گوید:

ولوله افتاد در جغدان که ها باز آمد تا بگیرد جای ما
(مولوی، ۱۳۹۲/۲)

شخصیت‌های این داستان، باز، جغد و شاهنشاه است و تأویل آن «روح افراد گم‌کرده راه از نزد شاه وجود و معبود ازلی می‌گریزد و در دنیا همنشین خرابه‌های هوا و هوس آن می‌شود و مورد حسادت آن‌ها واقع می‌شود» (نبی‌لو، ۱۳۸۶: ۲۴۷) «سپس، مجادله‌ها و بحث‌های مغرضانه منکران نبوت را در گفتگوی تمثیلی و نمادین جغدان با بازان بازگو می‌کند. جغد همیشه در مثنوی در مقابل باز قرار دارد. از ای نرو، این دو پرنده نسبت به هم، هم پوشی دارند و معنای یکی، معنای دیگری را نیز روشن می‌کند. مولانا با توجه به اینکه در دنیای طبیعی، بازان و جغدان هر دو وجود دارند، معتقد است که در

میان آدمیان، انسانهای کامل با انسانهای دنیاپرست و اسیر لذت‌های زودگذر همراه هستند و هرکسی با توجه به لیاقت و شایستگی خود به یکی از این دو گروه گرایش پیدا می‌کند. در جایی دیگر دشمنی جغدان و بازان را نمادی از دشمنی انسانهای ناآگاه با انسانهای کامل و پیامبران شمرده جغدان را نماد انسانهای عادی قلمداد کرده است که م‌توانند با همت خود، موجبات کمال معنوی خویش را فراهم سازند. (صرّفی، ۱۳۸۶: ۶۹-۶۷) «در دفتر سوم با اشاره به داستان دشمنی زاغ و بوم، که اصل آن در کلیله و دمنه آمده است. جغدان و بومها را نمادهایی از انسانهای خودپرست و پست می‌شمرد که برای حفظ تسلط خود بر جهان هستی، حاضر می‌شوند انسانهای بی‌گناه و متعددی آزار ببینند» (همان: ۶۸) چنانکه می‌گوید:

این مثال را چو زاغ و بوم دان
که از ایشان پست شد صد خانمان
(مولوی، ۲۷۹۴/۳)

در فرهنگ نمادها آمده است: «از آنجایی که جغدها نور روز را نمی‌بینند، نماد اندوه، ظلمت، انزوا و خلوتی مالیخولیایی هستند. اساطیر یونان، آتروپوس معبر را، که یکی از پاکارها بود و نخ سرنوشت را قطع می‌کرد، جغد دانسته است. در مصر جغد نشانگر سرما، شب و مرگ بود... در چین باستان جغد نقش مهمی برعهده داشته: حیوانی وحشتناک که مادرش را از هم می‌دریده. جغد نماد یانگ، و حتی یانگ افراطی بوده است. جغد در انقلاب صیفی خود را نشان می‌داد و همذات با طبل و صاعقه بود. در ضمن با کوره‌آهنگری ارتباط داشت... جغد یا یانگ افراطی باعث خشکسالی می‌شد. کودکانی که در روز جغد صیفی (انقلاب صیفی) متولد می‌شدند، شخصیتی خشن (احتمالاً مادرکش) دارند... می‌توان جغد را چون پیک مرگ به حساب آورد و بنابراین علامت نحوست...» (شوالیه و گبران، ۱۹۰۶: ۴۳۶-۴۳۷)

۵- نتیجه‌گیری

داستان تمثیلی بوم و زاغ دارای ساختار سیاسی خاصی است که شاه یا ملک در رأس آن قرار دارد و ۵ نفر از دانایان که همواره مورد مشاوره قرار می‌گیرند، پس از او هستند و این شش تن در رأس ماجرای اصلی قرار دارند. بوم تمثیلی از دشمن کینه‌ور و ظالم است که به بهانه مخالفت یکی از زاغان در مجمع تعیین پادشاه پرنندگان، دشمنی با زاغان می‌آغازد و در پی عملی کردن تصمیم خود به سرزمین زاغان حمله می‌کند و خساراتی به بار می‌آورد. زاغان تمثیل مردمی مظلوم هستند که در پی یک بی-

تدبیری و سخن نابه جا گرفتار دشمنی دیرینه می‌شوند و مورد ستم قرار می‌گیرند و به تدبیر پنج وزیر زیرک نیازمند می‌شوند. ملک زاغان با بهره‌گیری از مکراندیشی وزیر پنجم، نه تنها در پی جبران برمی‌آید که ضرب شستی اساسی به دشمن خویش نشان می‌دهد و کمر به نابودی دشمن خویش می‌بندد. در این داستان، آنچه بیش از نیروی جسمی برای پیروزی لازم به نظر می‌رسد، قدرتی به نام مکر است که سلاهی پنهانی و برآن در اختیار مظلومان قرار می‌دهد تا برخلاف ظاهر ضعیف خود به مقابله با دشمن بپردازند و با مکر و علم و حلم و جانفشانی یاران به پیروزی نائل شوند.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- حافظ شیرازی، شمس الدین، (۱۳۹۵)، دیوان، تهران: انتشارات پیام عدالت.
- ۳- خاقانی شروانی، (۱۳۷۵)، دیوان، جلد اول، ویراسته دکتر میرجلال الدین کزازی، تهران: نشر مرکز.
- ۴- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۴)، لغت نامه، سرواژه «فریب»، ج ۵، تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا.
- ۵- رخشانی مقدم، فاطمه، (۱۳۹۰)، مکر یا تدبیر: پژوهشی در مکر و حيله زنان در ادبیات و انگیزه‌های روانی و اجتماعی، چ اول، تهران: خوش نگار.
- ۶- سعدی، مشرف الدین مصلح، ۱۳۷۶، کلیات، براساس نسخه محمدعلی فروغی، تهران: نشر داد.
- ۷- شوالیه، ژان و گریبان، آلن، (۱۹۰۶)، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، جلد سوم، تهران: جیحون.
- ۸- صرفی، محمدرضا، (۱۳۸۶)، نماد پرندگان در مثنوی، فصلنامه پژوهشهای ادبی، صص ۵۳ تا ۷۶.
- ۹- فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۷۹، شاهنامه، مجلد اول، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- ۱۰- منشی، ابوالمعالی نصرالله بن محمد، (۱۳۷۶)، کلیله و دمنه، (۱۳۷۱)، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی، تهران: سپهر.
- ۱۱- مولوی، مثنوی معنوی، دفتر سوم، براساس نسخه نیکلسون،
- ۱۲- میرصادقی، جمال، ۱۳۹۴، عناصر داستان، تهران: نشر سخن.

مقاله‌ها

- ۱- حیدری‌فر، بهرام، (۱۳۹۸)، بررسی ساختار و انواع تمثیل در منظومه خسرو و شیرین امیرخسرو دهلوی، حسینی کازرونی، سیداحمد و حمیدی، سیدجعفر، فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، زمستان، شماره ۴۲، صص ۳۳-۸.

- ۲- خراسانی، محبوبه، مزداپور، کتابون و ذنوبی، طیبه، (۱۳۸۹)، تحلیل ساختاری مکر و حيله زنان در قصه‌های هزار و یک شب، فصلنامه پژوهشهای ادبی، سال ۷، پاییز و زمستان، شماره ۲۹-۳۰، از ص ۲۹-۹.
- ۳-رخشانی مقدم، فاطمه، (۱۳۹۰)، «مکر یا تدبیر: پژوهشی در مکر و حيله زنان در ادبیات و انگیزه‌های روانی و اجتماعی آن»
- ۴- شیر، قهرمان، (۱۳۸۹)، تمثیل و تصویری نو از کارکردها و انواع آن، کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، سال یازدهم، بهار و تابستان، شماره ۲۰، صص ۳۳ تا ۵۴
- ۵- عباس نژاد، حسین؛ (۱۳۹۸)، کاربرد مکر و امکراندیشی در حکایت‌های تمثیلی جانوران در مرزبان‌نامه، عادل زاده، پروانه؛ پاشایی فرخی، کامران، فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، مقاله ۳، دوره ۱۱، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۹۸، صفحه ۴۳-۶۲
- ۶- غلامحسین زاده، غلامحسین، (۱۳۸۹)، رفتارشناسی مکر و نیرنگ در جامعه استبدادی از نگاه مولانا، نثر پژوهی ادب فارسی (ادب و زبان)
- ۷- مره‌بی، منصوره (۱۳۹۸)، تصویر سازی و تصویر آرای بی‌فریب کاری در شاهنامه فردوسی و کلیله دمنه نصرالله منشی (مغول و تیموری)، جدیدالاسلامی، حبیب، مطالعات هنر اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۳۵، صص ۳۶۶-۳۴۷.
- ۸- مزداپور، کتابون، ذنوبی، طیبه، (۱۳۸۹) «تحلیل ساختاری مکر و حيله زنان در قصه‌های هزار و یک شب»
- ۹- میرهاشمی، سیدمرتضی (۱۳۹۸)، تمثیل، گونه‌ها و کارکرد آن در پنج اثر منشور تاریخی، عباسی، حبیب اله، صالحی، الهام، ادب فارسی، سال ۹، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ۱۳۳-۱۵۳.
- ۱۰- نبی‌لو چهرقانی، علیرضا، (۱۳۸۶)، تأویلات مولوی از داستان‌های حیوانات، فصلنامه پژوهشهای ادبی، تابستان، شماره ۱۶، صص ۲۳۹ تا ۲۶۹.

سایت‌های اینترنتی

- 1- <https://www.isna.ir/news/920206038151>
- 2- beytoote.com
- 3- Ardabil.iqna.ir
- 4- yjc.ir